

نمایش کودک :

« گلنار »

نویسنده : حسن سالارمنش

برداشتی کاملاً ازاد از فیلم گلنار نوشته کامبوزیا پرتوی

: ادم های نمایش

۱. گلنار

۲. «بی بی» مادر بزرگ گلنار

۳. خاله قورباغه

۴. اقا خرسه

۵. خانم خرسه

۶. خانم مرغه

۷. اقا خروسه

۸. دوستان گلنار

## اپیزود اول

فضایک جنگل فانتزی درشمال کشور رانشان می دهد که گوشه گوشه صحنه پوشیده شده از « درختان سرسبز و زیبا ، گل های خوشبو با علفزارهای سبز ، هوای ملایم و گوش نواز جریان آب به همراه صدای دلنشین پرندگان خوش خوان که طروات و زیبایی خاصی به صحنه داده است دریک طرف صحنه کلبه روستایی بی بی که یک قاب پنجره جدا گانه دارد و در قسمتی دورتر در انتهای صحنه کلبه خرس ها که جلوی آن کنده های از درخت دیده می شود در دکور صحنه اکسسوارهایی که از اهمیت ویژه ای برخوردار هستن تعداد چهار قابلمه بزرگ برای پختن غذا و دو در در صحنه که یکی به کلبه بی بی باز میشه و یکی به کلبه خرس ها باز میشه که باید مسیری ازاد برای ورود و خروج به صحنه « و تداعی کننده راه جنگل باشد

نور می آید نشمین خانه بی بی با نور سرد و ملایم دم صبح روشن می شود گوشه صحنه یک گروه موسیقی و دوستان گلنارنشسته اند تاهرزگاهی نمایش را با صدا و نواختشان همراه کنند شروع موسیقی می نوازند دوستان گلنار و شاید هم همه بازیگران به جز گلنار و خرس ها به روی صحنه میاییند و موسیقی را همراهی می کنند دسته جمعی باهم میخونن

اونجا اون ته جنگل یه خرسی خونه داره / یه خرسی زشت تنبل

ما باهم تور میبافیم / خرسه را گیر می اندازیم

خرسه چشمای ریزی داره / چنگال های تیزی داره / تور را پاره میکنه / کاره را چاره میکنه

خرسه خیلی بزرگه / حریف صدتا گرگه / تیروکمون برایش مثل تیغه به پایش

تیرو تفنگ میاریم / خرسو ب چنگ میاریم

بابابزرگم گفته خرسه پوستش کلفته / بی بی جونم میگه واشش مثل دیگه

پس باید کاری کنیم / تا خرسوشکار کنیم

کوچیک مثل خرگوشیم / اما فرزوبا هوشیم / با فکروهوش تدبیر / خرسه را میندازیم گیر / خرسو رو میکنیم خواب / دست و پاشو میگیریم می اندازیم توی اب

با پایان گرفتن اهنگ صحنه خالی می شود و گلنار با لباس زیبا و رنگی باظرفی ازخمیر وارد میشه روبه « ....تماشاگران

گلنار-بالای ابر ، پایین کوه ، دشتی دلپاز پرازگل ، پایین جنگل انبوه ، میون این درختان انبوه ، پایین تر از صد چشمه ، کنار چندتا برکه ، نزدیک دوتا رودخونه ، پایین تر چندتا خونه یه روستا متروکه ، میون این خونه ها خونه ما...یه پیرهن سبزوزرد ، یه چارقد رنگ لاجورد ، شلیته سبزوروشن ، قرمز وایی دامن ، یه جفت جوراب عنابی ، بایه دستمال ابی ، که از مادرم مونده یادگاری ....» گلنار میشینه وبا دستاش خمیرو ورزش میده وهم زمان میخونه « لالا لالا گل پونه ...بیا مادر بیا خونه ، لالا لالا گل سوسن بیا مادر پیش من ، لالا لالا گل نسرین تورفتی من شدم غمگین « باصدای خانم مرغه واقا «خرسه سرشو بلند میکنه وموسیقی پخش میشه وبازیگران دوباره همراهی میکنند

خانم مرغه -قدقدقدادقدقداددستمال زیبا

خروس اقا -قولی قولی قولی قولی یه دستمال ابی

گلنار-یه روزشاد و شب مهتابی

دوستان گلنار بامرغ و خروس از بیرون می خونند»

/ شب اومد و ستاره

بی بی رو به اسمون نشسته

نه یک نه ده نه صد تا / هزارهزارتا دسته

ستاره توی شب ها چراغ اسمونه / مثل گل و بنفشه تو باغ اسمونه

یکمی این طرف تر گلنار و قشنگ زیباست / دلش گرفته امشب برای اینکه تنهاست

موسیقی و صدای بازیگران قطع میشه بی بی با اب پاشی که دردست دارد وارد میشه و به گلدون ها «  
» اب میده

گلنار-سلام بی بی کی اومدی

بی بی -سلام ننه تازه اومدم

گلنار-ای وای بی بی بیا نگاه کن میترسم خمیرم ترش شده باشه

بی بی - «یه تکه ازخمیر برمیداره ومزه میکنه » شکر داره مادر ، حالا معلوم نمیشه فکر کنم تنورت داغه ،زودباش خمیرو ورزش بده سریع اردو پپاش رو تخته ،گوله کن خمیرو ...بی بی جون اتیشت گله ؟

گلنار-اره گله بی بی جون

بی بی -بزار ببینم تنورت سرخه

گلنار -سرخه بی بی جون

بی بی -بزن به تنور ، حالا دربیار رنگش که خوبه نه سوخته نه خمیرش خوبه

گلنار-نه بی بی چیش خوبه این که ترشه بی بی

بی بی -اره همچین یه خرده ترش شده اما نه زیاد که معلوم کنه دستت دردکنه دخترم

گلنار- «یه کم بغض میکنه ولب هاشو غنچه ای میکنه » اخرش همیشه ،یک دفعه شوره ،یک دفعه خمیره ،یک دفعه میسوزه هیچ وقت مثل کلوجه های عزیزم همیشه

بی بی -بغض نکن سوی چشمان بی بی وقتی بغض میکنی رگای پشتم میگیره پاشو خمیرو ببر پیش همسایه ها مایه کن «موسیقی پخش می شود ودوستان گلنار با بی بی تکرار میکنن » مبینی بی بی ....

ننه سرما توراهه / روی سرش چترسیاهه / ننه سرما با خودش برف و بارون میاره / همه جا ابری میشه  
برف و بارون میاره / دونه دونه برف میاد میشینه رو کلبه ها / گنجشک ها پر می زنن می رن توی لونه  
«ها / ننه سرما تو راهه» موسیقی قطع میشه

بی بی - دخترم تا من برم به گلها حیاط خونه هم اب بدم اگر مرغ و خروس اومدن این دونه ها وظرفو  
بزار جلوشو

گلنار - چشم بی بی

بی بی - خیالم راحت باشه

گلنار - اره بی بی برین نگران نباشین اب و دون بهشون میدم

بی بی از صحنه خارج میشه و گلنار دوباره مشغول میشه و خمیرو ورزش میده درهمین موقع خانم «  
«مرغه سرشو از تو قاب پنجره خونه بی بی میاره بیرون»

خانم مرغه - گلنار جون سلام

گلنار - بازم وایسادی تو قاب پنجره بی بی ، مرغه مریض چندبار بهت بگم از درب خونه بیا داخل  
از پنجره نیا داخل

« اقا خروسه از درب وارد میشه»

اقا خروسه - سلام گلنار خانم ، خب راست میگه زن خجالت نمیکشی سرتو از پنجره میاری بیرون

« گلنار-»مقداری دونه میپاشه روی زمین بیان بخورین

اقا خروسه -اخ جون شده وقت اب و دون

« خانم مرغه هم وارد میشه و مشغول جمع کردن دونه میشن»

خانم مرغه -گلنار جون امشب برامون قصه میگه قصه خروس زری

گلنار -نه خسته ام خوابم میاد دیشب هیچی نخوابیدم

خانم مرغه -میخواه بخوابی گلنارجون

اقا خروسه -تورا خدا نخواست بزار تا واست یه کم اواز بخونم

«مرغ و خروس مشغول خوردن میشن اهنک پخش می شود»

گلنار یکی یه دونه /نشسته بود توخونه /گلنار که بس خسته بود/چشامشو زود بسته بود /گلنار خواب برده بود /دنیا را اب برده بود/رفته به خواب و رویا /به شهر ارزوها /مادرشو دیده بود /دستمالشو برده بود /با اون دستمال یادگاری /می تاخت چه خوب عالی /درخت ها رو رد میکرد /جنگل ها رو رد میکرد /گویی راه رو گم کرده /خرس ها رو شیفته خود کرده

« موسیقی قطع میشه و مرغ و خروس هم اوازشونو قطع میکنن »

اقا خروسه -ای وای مثل این که جدی جدی خوابش برد

خانم مرغه -باید بیدارش کنیم الان بی بی میاد دعواش میکنه

اقاخروسه -اره فکر خوبیه ولی چه جوری بیدارش کنیم

خانم مرغه -خب احمق یکی از پرهاات بچین بکن تو دماغش تا بیدارشه

اقاخروسه -اره فکر خوبیه این چرا به ذهن خودم نرسیده

خانم مرغه -اقا خروسه منو نداشتی چکار میکردی

اقا خروسه -هیچی یه مشت خاکی برمیداشتم توسرخودم میکردم

خروس یه دونه از پرها خودش میچینه یا از تو جیبش درمیاره وروی صورت گلنار میکشه تا گلنار «  
بیدار بشه ، درهمین موقع گلنار بیدار میشه و مرغ و خروس عقب عقب میرن



گلنار- ای و شما چرا هنوز اینجاین برین جا برین جا ، سریع برین تو لونه اتون کز میکنید بالای تنور بی بی دلش میسوزه برین من کلی کاردارم اجاقو باید آتیش کنم سماورمو باید چای کنم ، قابلمه را باید بارش کنم ، شامم داره دیرمیشه ، برین جا سریع برین جا

« گلنار اقا خروسه و خانم مرغه رو از صحنه بیرون میکنه وان ها را به لونه اش هدایت میکنه »

گلنار- دیرم شده هنوز هیچ کاری نکردم الانه که دیگه شب بشه بی بی برسه «یادش میاد که نرفته چشمه اب بیاره » ای وای یادم رفت نرفتم چشمه اب بیارم

« خانم مرغه دوباره میاد تو قاب پنجره خونه وایمیشه گلنار کوزه را برمیداره تا بره چشمه اب بیاره »

گلنار- ای وای خانم مرغه باز که اومدی تو قاب پنجره زود باش برو تو لونه ات

خانم مرغه - گلنار خانم وایسا کجا میری ، ماهم میخوایم باهات بیایم

گلنار- میرم چشمه اب بیارم زودی میام شما هم برید تو لونه اتون یه وقت روباه نیاد ببرتون

خانم مرغه - پس زیاد دیر نکنیا تو این تنگ غروب بی بی دلواپس میشه ، غش میکنه ها

« اقا خروسه هم سرشو از توقاب پنجره خونه میاره بیرون »

اقا خروسه - کو حالا تا تنگ غروب ، بریم دونه امونو بخوریم تایی بی نیومده

گلنار از صحنه خارج میشه و اقا خروسه و خانم مرغه مشغول خوردن اب و دون میشن نور میرود «  
و صحنه عوض می شود دکور تغییری نمی کند فقط خاله قورباغه را میبینیم که نگران بالای برکه  
«کوچیکی از اب نشسته و در فکر فرورفته در همین موقع گلنار با کوزه خالی به طرف برکه میاد

خاله قورباغه - «بادیدن گلنار خوشحال می شود» گلنار خانم خودتی عزیز بدو بدو که گرفتار شدم

گلنار-چی شده خاله قورباغه

خاله قورباغه - از اقبالم چی بگم دم صبح دیدم تخم هام دارن میجنبن و تند تند ترک بر میدارن گفتم  
شکر خدا راحت شدم اما همین بعد از ظهری اون پدرسوخته ها ریختن تو رودخونه دارن خونه خرابم  
میکنن

گلنار - من کار دارم باید اب برم واسه بی بی

خاله قورباغه - وا میخوای این دم اخری تنهام بزاری من که زورم به اون بچه تخم ها نمیرسه بیا کمکم  
کن از تو اب جمعشون کنم

گلنار - نمیتونم من کلی کار دارم اگر دیر برم خمیرم ترش میشه

خاله قورباغه - خدایا خودت به دادم برس یعنی میگی خمیرت از جون ۱۲۰ تا بچه من بیشتر می ارزه

گلنار - نه نه به خدا منظوری نداشتم

خاله قورباغه -اگر میخوای ازدستت ناراحت نشم کمکم کن

گلنار-پس بزار برم به بی بی اطلاع بدم بعد میام کمک

خاله قورباغه -نه صبرکن نمیخواه بری امروز اگر بخیر بگذره تا فردا اونا درمیان راحت میشم والا کم حرص و جوش نخوردم ازصبح تا الان ، گلنار خانم توکه تخم نگذاشتی

گلنار-وا ، خاله قورباغه مگه من مرغم که تخم بزارم ، ولی مرغم تخم گذاشت

خاله قورباغه -مگه تخم دیگرون بچه تو میشه ، خودت بزار ، بچه هرچه هم که در دسره باشه شیرینه

گلنار-اخه همیشه ماها تخم بزاریم

خاله قورباغه -بمیرم برات عیب نداره بیا چندتا از تخم ها خودم بهت میدم بچه میخوای چکار ، وای گلنار خانم میگم من چقد وراجم راستش هر وقت که من می ترسم یا حرف میزنم یا هم اواز میخونم «قر، قر، قر، قر، قر، قر، قر، قر»

گلنار-صبرکن تابیینم با دستمال میتونم تخم هاتو جمع کنم

خاله قورباغه -باشه راحت باش منم اواز بخونم «قرقرقر» صدویست تا بچه /هی میخورن الوچه /صدویست تا بچه /هی میخورن الوچه /صدویست تا بچه /کنار کوچه /کلوچه الوچه /همه میگن

عزیزم /یه قورباغه مریضم /یادش بخیر عزیزم هر بیشتر کلوچه میخوردم میشدم مریضم /همسایه اهای  
همسایه وقت کلوچه خوردن پیر روی چهارپایه

گلنار-ای وای چقد تو اواز میخونی صبر کن من با دستمالم تخم هاتو از تو اب جمع کنم  
خاله قورباغه -نخونم خب چکار کنم گلنار خانوم میبینی که دارم خونه خراب میشم تورا خدا یه کاری  
کن خب بادی داره میاد نگاه کن

!!!گلنار-باد

خاله قورباغه -اره دیگه دستمالتو بنداز هوا تا خشک بشه

گلنار-اگه گم بشه چی اون یادگار مادرمه

خاله قورباغه -نترس گم نمیشه ،تورا خدایه کاری کن بچه هامو کشتن ای بهمیرم براتون بنداز دیگه تو  
اب

گلنار-میتروسم اب دستمالمو بیره

خاله قورباغه -نگران نباش گلنار چون اگر اب بیره انتهای برکه میخوره پشت این تپه ها اونجا میتونی  
دستمالتو از تو اب دربیاری

گلنار-باشه الان میندازم تو اب

« گلنار دستمالو تو برکه کوچیک اب میندازه اما شدت اب زیاده و دستمالو باخودش میبره »

گلنار-ای وای دستمالمو اب برد

خاله قورباغه -وا کجا میری دختر

گلنار-مگه نمیبینی اب داره دستمالمو میبره اون یادگار عزیزمه

« صدای دوستان گلنار از بیرون »

ارزو-نرو گلنار دیروقته

فاطمه -گلنار خطرناکه نرو گم میشی

الهام -بریم به بی بی خبر بدیم

!!! فرزانه -حالا چکار کنیم

هم زمان با صدا دوستان گلنار نورکم کم می‌رود و گلنار دنبال دستمال از طرف دیگه صحنه خارج « میشود صحنه تاریک میشود و ما در تاریکی صدای گلنار را میشنویم گویی در تاریکی شب در جنگل گم شده هم زمان صدای های حیوانات وحشی و درنده همچون زوزه گرگ و... پخش می شود با آمدن نور دکور هیچی تغییری نمیکند خاله قورباغه دیگه در صحنه نیست ولی گلنار در قسمت دیگه صحنه کنار کلبه خرس ها که در انتهای جنگل هست به خواب رفته هم زمان اهنگی پخش می شود مثل این که گلنار شب قبل داخل جنگل گم شده با آمدن صبح و نور خورشید صحنه روشن می شود و گلنار « از خواب بلند میشه و خود را کنار کلبه ای میبینه

گلنار- یعنی اینجا مال کیه ، چقد کثیفه ، فهمیدم احتمالاً مال شکارچی هاست یا هم هیزم شکن ها

« در همین موقع خانم خرسه از پشت سر گلنار می اید گلنار می ترسد و کمی جیغ میکشد»

خرسی خانم - تو خونه من چیکار میکنی

گلنار- «ترسیده» بامن من کردن... سلام میکند

خرسی خانم - سلام چیه

گلنار- راستش من دیدم در باز بود اومدم واستون تمیز کنم ، الان میرم

خرسی خانم - وایسا چه خوب تمیز میکنی به به خوشم اومد ، حالا بیا بگیر این جارو را بیشتر تمیز کن  
تایبشتر خوشم بیاد

گلنار-تمیزکنم ! ولی من باید برم دیرم شده الان بی بی ام چشم به راهه

خرسی خانم - باشه دختر ورپریده اینجا را اول تمیز کن بعد برو

گلنار-ولی بی بی دلواپسه ، خرسی خانم من گم شدم

خرسی خانم -وا خرسی خانم ، به من میگی خرسی خانم خوشم اومد عین ننه جونم میگی بعد از ننه  
جونم دیگه کسی بهم نگفت خرسی خانم ، بازم بگو خرسی خانم

گلنار-باشه میگم حالا من چکارکنم خرسی خانم میزاری برم

خرسی خانم -گفتی گم شدی

گلنار -اره گم شدم

خرسی خانم -باشه اشکالی نداره ظرف هارو بشو ، کنارکلبه رو جارو کن ، غذا بپز اونوقت خودم رهایت  
میکنم تابری

گلنار-ولی خرسی خانم من دیرم شده

خرسی خانم -گفتم که این کارهارو انجام بده رهاش میکنم تابری

گلنار-باشه الان هم جارو میکنم هم غذا میپزم هم ظرف ها رو میشورم

خرسی خانم -باریکلا خوشم اومد

گلنار مشغول میشه جارو میزنه دیگو پرازاب میکنه ومیذاره روی اجاق هم زمان اهنکی پخش میشود «  
با پایان گرفتن کارها اهنک قطع می شود

!خرسی خانم -به به افرین خوشم اومد ،ناهار چی شد؟

گلنار-روی اجاقه

خرسی خانم -افرین خوشم اومد

گلنار-خب دیگه میزاری من برم

خرسی خانم -البته البته

گلنار-تو که گفתי راهو نشونم میدی

خرسی خانم -شوخی کردم من که بلد نیستم ولی شوهرم بلده وایسا تا اون بیاد



گلنار-نمیخواه خودم الان میرم

خرسی خانم - خودم میرم!!! یعنی چه وای وای قایم شو ای خدا بدبخت شدم سریع باش برو تو

گلنار- دستالم

خرسی خانم- برو تو برو سریع باش خودم بهت میدمش

گلنار- ولی من دستمالمو میخوام

خرسی خانم - برو تو خودم بهت میدمش

گلنار داخل یکی از قابلمه های بزرگ قایم میشه و اقا خرسی باهیکی گنده از طرف دیگه صحنه وارد «  
میشه هم زمان غرشی بلند میکنه

خرسی خانم - سلام خرس گنده

اقا خرسه - بیداری؟ عجیبه ، اولین صبحه که میبینم بیداری ، اینجا چقد تمیز شده ، این چیه ؟

خانم خرسه - دستماله

!گلنار-مال کیه ؟

خرسی خانم -قشنگه ،مال توه خودم برات دوختمش

« اقا خرسه -«دستمالو میگیره بو میکنه « مال من عجیبه ،دروغ میگی «به سمت قابلمه میره

خانم خرسی -نرو هنوز غذا آماده نیست ،دنبال چی میگردی

اقا خرسه-هیچی یه بوی خاصی حس کردم بوی طعمه

خرسی خانم -ازدستمالم خوشت نیومد

اقا خرسه -چرا خوشم اومد ولی این باید کارمادرت باشه خودت فکر نکنم بتونی از این چیزها خوشکل  
بیافی

خرسی خانم-مادرم !!اون بیچاره که پنج ساله مرده

اقاخرسه -زنده شده میدونم زنده شده میخوای به من نگی تپلی وتنبلی

خرسی خانم-خرس گنده مگه مرده هم زنده میشه

اقا خرسه - پس این کار کیه

خرسی خانم - خودم

اقا خرسه - «باتمسخر» هه تو گفتی منم باور کردم تو از بس که تنبلی نمیتونی رختخواب خودتو هم صبح ها جمع کنی

خرسی خانم - از صبح دارم کار میکنم مگه کوری نمیبینی اینجا چقد تمیز شده

اقا خرسه - «دور خرسی خانم میگرده وبوش میکنه» باور کنم کارتو بوده

خرسی خانم - اره مگه غیر از من کسی دیگه هم تو این خونه میبینی خرس کور

اقا خرسه - باشه خیلی خوب باور کردم ، این دستمال دیگه مال منه

خرسی خانم - اره

گلنار سرشو از داخل قابلمه میاره بیرون تصمیم به رفتن داره ولی اقا خرسه پشتش به اونه واوونو «  
نمیبینه هم زمان خرسی خانم با اشاره از اون میخواد سرشو بیره داخل

اقا خرسه - «دستمال رابرمیداره و هم زمان اهنک پخش میشه وشعری میخونه وبا دستمال بازی میکنه

»

من صاحب جنگلم / من صاحب جنگلم / جنگل سبز / جنگل بلوط / جنگل کاج / جنگل توت / این ها همه مال منه / چون من حریف همه ام / دست و خالی ویه تنه هرکس به این جنگل بیاد اونا شام یه شب میکنم / یه لقمه چپ میکنم / وقتی که اونو کشتم میشه گوشتو خورشتم / غذا من یه عالمه / از صبح تا شب هم گشنه امه / هرچی این زن میپزه همه اش هستن بدمزه / میخورم اما باز کمه / این شکم گنده ام عاشق گوشت ادمه / چون من اقا خرسه یدنده و نترسم / با این دستمال میرقصم / من صاحب جنگلم من صاحب جنگلم

صدای ضبط شده خاله قورباغه - این سروصدا کیه تو جنگل !!! بهتره برم ببینم چه خبره

اقا خرسه - اهای تپلی تنبلی تو واقعا خیلی زرنگ شدی باید بهت جایزه بدم

خرسی خانم - «خوشحال» اخ جون جایزه

اقا خرسه - «یه گردنبند ساخته شده از برگ درخت درمیاره و به خرسی خانم میده» اره جایزه ... بگیرش مال تو خودم برات ساختمش , چون زن خوبی شدی

درهمین موقع خاله قورباغه از طرف دیگر صحنه وارد میشه خرس ها را میبینه ولی خرس ها اونو «  
» نمیبینند خاله قورباغه پشت درخت ها و بوته ها قایم میشه

خاله قورباغه - «دستمال گلنار را داخل دست خرسه میبینه» ای وای این که دستمال گلناره یا اونو خورده یا اونو تو خونه اش قایم کرده باید همین جا بمونم و اگر گلنار زنده باشه اونو نجات بدم

اقا خرسه - «به جلو صحنه میاد و روبه تماشاگران دماغ خودشو میگیره و بو میکشه» به به چه بوی خوبی، بوی چیه تپلی تنبلی

خرسی خانم - بوی غذاست، یه چند دقیقه دیگه آماده میشه

اقا خرسه - باشه من یه کم میخوابم غذا حاضر شد بیدارم کن

خرسی خانم - باشه اقا خرسه

اقا خرسی روی یکی از تنه درختان دراز میکشه و به خواب میره در همین موقع گلنار سعی دارد از «داخل قابلمه بزرگه درییاد

خرسی خانم - ای وای چکار میکنی برو تو این خوابه اگر بیدار بشه تورابینه هردو تامونو یه لقمه میکنه

گلنار - نه من نمیخوام داخل این قابلمه بمونم

خرسی خانم - باشه بیا بیرون برو تو اون صندوقچه

گلنار - نه من نمیخوام برم تو صندوقچه میخوام بیرون باشم تا دستمالمو از چنگش بیارم بیرون

خانم خرسی - نه اون دستمال مال اونا تو نباید اونو از اون پس بگیری ، چون ناراحت میشه وجایزه منو نمیده

گلنار-ولی من میخوام برم بی بی دلواپسمه

خرسی خانم -اشکالی نداره میری کمکم کن این غذای خوشمزه رو درست کنیم بهش بدیم بعد خودم ازش میخوامم راهه نشوت بده وتورا رها کنه بری

گلنار- باشه کمکت میکنم

خرسی خانم -افرین دختر خوب تانم یه کم بخوابم غذا که آماده شد بیدارم کن

خرسی خانم واقا خرسه به خواب میرن وگلنار بالای قابلمه وایساده وبا کف گیر وملاقه درحال هم « زدن غذا هست بایه چشمش غذا راهم میزنه وبا چشم دیگرش دستمالو که گردن خرس بسته شده را « نگاه میکنه درهمین موقع خاله قورباغه ازپشت بوته ها بلند میشه وبه طرف گلنار میاد

خاله قورباغه -قرقرقر گلنارجونم ،گلنارخانوم ،گلنارجونم توزنده ای ،قرقرقر گلنارخانم خداراشکر که زنده ای من فکر کردم این خرس گنده قورتت داده تا الان

گلنار-«خوشحال میشود» تویی خاله قورباغه

خاله قورباغه -قرقرقراره که منم پس میخواستی کی باشه

گلنار-اروم خرس های خوابن بیدار میشن

خاله قورباغه -دست خودم نیست هر وقت میلرزم شکم عقب وجلو میاد سروصدا میکنم

گلنار-چه جوری اومدی اینجا

خاله قورباغه -حالا چه وقت این حرف هاست بیا تا بریم

گلنار- توجه جوری اومدی اینجا راه جنگلو بلدی

خاله قورباغه - نه بلد نیستم ولی پیداش میکنیم ،راستش قصه اش درازه بچه هام که از تخم دراومدن  
گفتم پیام خبرت کنم دروآمدن هر ۱۲۰ تا بچه ام خداراشکر صحیح وسالم هستن فقط یکیش پاش یه  
کم کج دراومده

گلنار-ولی من نمیتونم پیام

خاله قورباغه -چرا نمیتونی مگه نمیبینی اینا خوابن حالا وقتشه فرار کنیم

گلنار-ولی دستمالمو مگه نمیبینی گردن اون خرس بدجنسه

خاله قورباغه -ولش کن اون دستمالو دختر

گلنار-نمیتونم اون دستمال یادگار مادرمه مگه یادت رفت من به خاطر این دستمال تو این مخمصه گیر کردم

خاله قورباغه -«دوباره شکمشو عقب جلو میکنه واواز میخونه» قر قر قورنا هستم /یه قورباغه دانا هستم /بچه هام برام عزیزن /صدوییست تخم میریزم /فامیلا مادرم همشون باهوشن /خاله هام هم شیک پوشن

گلنار -ای وای خاله قورباغه چقد اواز میخونی الان خرس ها بیدارمیشن

خاله قورباغه -خب دست خودم نیست مگه نمیبینی چقد از ترس میلرزم مجبورم اواز بخونم ،داشتم میگفتم خاله ام هفت هزار تخم یه شب گذاشت یکی ازیکیش بهتر هرکدوم از تخم هاش اندازه این خرس کله گنده و بدترکیب بود اما مادر شوهرم هرکاری میکرد تخم نمیگذاشت ازجاش تکون نمیخورد ازبس که اب و جلبک خورد شکمش ترکید ومرد

گلنار-یه لحظه اروم باش تا این غذا رو آماده کنم بعدش میریم

خاله قورباغه -«ازترس میلرزه ویکجا وایمیسه وسقفو نگاه میکنه وتکون هم نمیخوره مثل مجسمه ای خشکش زده»

گلنار-ای وای چی شده چرا خشکت زده



خاله قورباغه - «دوباره میلرزه شکمشو عقب جلو میکنه واواز میخونه» قرقر قر مگه نمیینی خرسا  
خوابن بیدارمیشن / بیدار میشن خیار میشن / خرسا خوابن بیدارمیشن / بیدارمیشن و خیار میشن

گلنار- ساکت باش بیدارمیشن

خاله قورباغه - «حرف گلنارو تکرار میکنه» ساکت باش بیدارمیشن / ساکت باش بیدا میشن

گلنار- ساکت مگه نمیینی زیرپات یه خرسه

خاله قورباغه - «همین حرف گلنارو سه بار تکرار میکنه» ساکت باش مگه نمیینی زیرپات یه خرسه

گلنار- ای وای چرا هر حرفی من میزنم تکرار میکنی

خاله قورباغه - ای وای چا هر حرف میزنم تکرار میکنی / چرا هر حرفی من میزنم تکرار میکنی

«گلنار- ادعا منو درمیاری خفه شو» باصدای بلند

«خاله قورباغه - ادعا منو درمیاری خفه شو» باصدای بلند

« درهمین لحظه خرس ها با صدای خفه اشو گلنارو خاله قورباغه از تو خواب میپرن»

اقا خرسه - «بلند میشه و غرش میکنه» این سرو صدای کیه زن

گلنار-خاله قورباغه فرارکن

خاله قورباغه -خودت هم بیا

گلنار-من نمیتونم تو برو تا دیرنشده بقیه را خبرکن

« خاله قورباغه فرار میکنه ویه کم از کلبه خرس ها فاصله میگیره ودوباره پشت بوته ها قایم میشه»

اقا خرسه -تپلی تنبلی این کیه

خانم خرسه -این راستش راهو گم کرده من نگهش داشتم واسمون کارها خونه رو انجام بده ،خونه رو جارو میکنه غذا میپزه

اقا خرسه -اخ جون گفتی غذا ،چه بوی خوشی تو کلبه پیچیده من غذا میخوام

گلنار-«درکنار قابلمه» نه جلو نیا وگرنه همه اشو میریزم اون وقت تظاهر باید باشکم خالی بمونی

اقا خرسه - د...اینو باش میام یه لقمه ات میکنم بچه

گلنار-«قابلمه را بلند میکنه» اگر جلو بیای میریزمش

اقا خرسه -باشه باشه نریز

گلنار-پس جلو نیا

اقا خرسه -اخ حرف حسابت چیه

گلنار-میخوام بدونم کی منو رها میکنید برم

اقا خرسه -رها کنم بری کجا بری ،اگرهم خودت بری سالم نمیرسی

خانم خرسه -راست میگه چون تو راهو بلد نیستی دوباره گم میشی

گلنار-خب اگر قراره من اینجا بمونم واینجا تمیزباشه غذا های رنگارنگ ولذیذ گیرتون بیاد باید به حرف من خوب گوش کنید

خرسی خانم -چه پرروح زود باش ازاینجا بیرونش کن چرا وایسادی خرس گنده

اقا خرسه -«غرش میکنه وبا مشت های گره کرده تو سینه خودش میزنه بعد از پایان کشیدن خمیازه بلند رو به خرسی خانم» تو حرف نزن سر پنجه غازی چرا بیرونش کنم اونوقت بازم باید غذا های کوفتی وایکی تورابخورم

گلنار-پس قبوله

اقا خرسه -اره قبوله ، حالا اون غذاها رو بده تا بخورم

گلنار-باشه اما قبل از غذا دست هاتو بشو مریض نشی

اقا خرسه -اه دختر دهنمونو سرویس کردی یه غذایی میخوای بهمون بدی

گلنار قابلمه را تو دست خرس ها میزاره ولی خرس ها سر غذا دعوا میکنن و اقا خرسه به زور غذا رو «  
از خانم خرسه میگیره حتی چندبار مشتشو پر میکنه تو سر خرسی خانم بزنه در اخر قابلمه غذا رو مثل  
« لیوان اب سر میکشه

اقا خرسه -ا...این که تموم شد بازم میخوام بازم میخوام

گلنار-باشه واست درست میکنم ولی من واسه ناهار اب میخوام من که زورم به این کوزه نمیرسه برم  
اب بیارم

اقا خرسه -«روبه خرسی خانم « اهای تپلی تنبلی برو براش اب بیار

! خرسی خانم -«متعجب « من

اقا خرسه -اره تو میری یا با مشتم بزمن تو کله ات

خرسی خانم -پس اون چیکار کنه

اقا خرسه -اون باید غذا درست کنه از امروز اب اوردن کارتو برو وگرنه میزنم تو سرت تا مثل میخ طویله  
بری توزمین گیر کنی

خرسی خانم -«ناراحت میشه» اصلا من باتو قهرم ،بده به من کوزه رو

گلنار-واسه ناهار تره میخوام

اقا خرسه -بدو تره هم بیار

گلنار-واسه ناهار کنگر میخوام

اقا خرسه -برو تو کوه کنگرهم بچین بیار

خرسی خانم -ولی اخه من

اقا خرسه -اخره نکن برو دیگه گشنمه ام شده

گلنار-زود باش دیرم شده

خرسی خانم - «با جارو تو سر اقا خرسه میزنه» ای خاک تو سرت داره به من دستور میده یه چیزی  
بهش بگو خرس گنده

اقا خرسه -دستور نده دختره این زن منه

گلنار -خودتم یواش تر تراشه ها رو پخش نکن چقدر اینجا رو جارو کنم

! اقا خرسه -بامنی

گلنار-اره باخودتم خرس کور ،مگه نمیبینی اینجارو کلی تمیز کردم اگر نهار خوشمزه میخوای باید  
حرف منو گوش کنی زودباش تو هم برو تره بیار

اقا خرسه -راست میگه چرا وایسادی برو سریع تره بیارمن گشتمه

« خرسی خانم باکوزه ازصحنه خارج میشه»

گلنار-اقا خرسه هیزم هم که ندارین واسه روشن کردن اتیش

اقا خرسه - هیزم پشت کلبه کلی هیزم هست برو بیار تا منم یه کم بخوابم هر وقت غذا آماده شد بیدارم کن

گلنار از صحنه خارج میشه و به دنبال هیزم میره و اقا خرسه هم در قسمت انتها صحنه به خواب «  
میره صحنه تا حدودی خالی شده در همین لحظه خرسی خانم را میبینیم که در یه دست خود سبدی  
« دارد و در جستجو تره و کنگر هست و با خودش حرف میزند

خرسی خانم -تورا خدا میبینید دختره بیست و پنج کیلویی دوروز اومده تو خونه صاحب همه چی شده  
همه اش تقصیر خودم بود باید همون روز اول رهاش میکردم بره

« خاله قورباغه که پشت بوته ها خودشو قایم کرده صداشو میشنوه و وارد صحنه میشه «

« خاله قورباغه - «می خنده و قرقر میکنه می خنده و قرقر میکنه چندبار پشت سرهم

خانم خرسه -هر هر کرکر قرقر خنده داره

خاله قورباغه -خب چیه ...سبد گرفتی دست ننه جون ...اومدی واسه تره

« خرسی خانم -«مهل نمیزاره سرش پایینه و در جستجو تره و...هست

خاله قورباغه -میدونم اون دختره بدجنس تو رافرستاد واسه تره ،راستش قبلا هم ما یه همسایه  
داشتیم ننه دور جونت مثل تو شد بدبخت شد بدبخت ها شد بدبخت

خرسی خانم - «باشنیدن صدای اسم پخته سرشو بلند میکنه» خرس بود ؟

خاله قورباغه - نه ننه قورباغه بود مادر شوهر خودم بود مثل تو بود کار نمیکرد دست به هیچی نمیزد ... اخرش

خرسی خانم - خب اخرش چی شد

خاله قورباغه - اخرش هیچی زهر ماهی با کلر خورد مرده شد

خرسی خانم - یعنی چی شد

خاله قورباغه - هیچی دیگه اخرش اون شوهر بداخلاقش به خاطر شکمش خونه را سپرد دست کلفتش ، کلفت که نه دوروزه شد صاحبخونه ولی ننه چه غصه میخورد

خانم خرسه - بایدم غصه میخورد منم چندروزه یه دختره غریبه اومده تو خونه ام همه اش غذا های لذیذ و خوشمزه میپزه به خاطر همین شوهرم اونو بیشتر از من میخواد

خاله قورباغه - «خودشو به نفهمی میزنه» وا راست میگی

خرسی خانم - باور کن ازروزی که اون اومده تو کلبه امون رفتار اقا خرسه هم نسبتا به گذشته فرق کرده اخه نیستی ببینی چه غذاهای خوشمزه درست میکنه



خاله قورباغه -خب توهم غذا خوشمزه واسه شوهرت درست کن

خانم خرسی-ولی من که بلد نیستم

خاله قورباغه -خب ننه تا لنگ ظهر میخوابی ،غذاهم که بلد نیستی واسه اون خرس شکمو درست کنی بایدم اونا بخواد

خرسی خانم -نبودی بیینی همین چندروز پیش یه جایزه ای بهم داده دوباره اون جایزه رو ازم پس گرفت داد به اون دختره ، دختره خودش از اقا خرسه خواست درعوض غذا درست کردنش بهش جایزه بده

خاله قورباغه -وا واہ...چه افاده ها چهارتا خرت وپرت درست کرده درعوضش جایزه خواست

خرسی خانم -اره ولی اون جایزه ها مال من بودن

خاله قورباغه -میدونم ننه میدونم من جنس این هارامیشناسم خودشو خانمی میکنه اونوقت جارو را داد دست تو ،اخ اگه اون الان تو خونه ات نبود

خرسی خانم-اره والا راحت راحت تا لنگ ظهر میخوابیدم

خاله قورباغه -خب ننه جون خانوم خونه ات بودی ،اختیاردارخونه ات بودی حالا کم مونده این دختره نیم وجبی بی ادبی نباشه صدات کنه تپلی تنبلی دلم واسه میسوزه ننه گیر کی افتادی

خانم خرسه - اخه چیکارکنم چاره چیه اون کاربلده ،زرنکه ،اگه بدونی چه غذاهایی واسه اون شکمو میپزه

خاله قورباغه-خب ننه همیشه مردا اسیر شکم ،توکوفت بیز اماخوب بیز ، بزارجلوش اگر به به اش وچه چشم به اسمون نرفت

خرسی خانم -نمیتونم اخه چه جوری بیزم

خاله قورباغه -اگه غذا پختنو یادت بدم قول میدی هرکاری که گفتم بکنی

خانم خرسه -اره قول میدم

خاله قورباغه -باشه برو فردا بیا یادت میدم

خرسی خانم -باشه من برم دنبال تره داره دیرم میشه

خاله قورباغه -باشه برو پشت این تپه ها پره ازتره وکنگر برو بچین

خانم خرسه ازصحنه خارج میشه وبه دنبال تره و...میره درهمین موقع خاله قورباغه به طرف کلبه «  
میره وگلنارو صدا میزنه

خاله قورباغه - گلنارجون ، گلنارخانم ، گلنار کجایی

گلنار- «بامقداری ازهیزم وچوب ازطرف دیگر صحنه وارد میشه » کیه صدا میزنه

« خاله قورباغه - قرققر منم گلنار اینجا » دست تکون میده

گلنار- ای وای خاله قورباغه تو اینجایی

خاله قورباغه -اره منم

گلنار- پس چرا نرفتی

خاله قورباغه - کجا برم ؟

گلنار- مگه قرار نبود بری به بی بی اینا خبربدی که من اینجام

خاله قورباغه - ولی منم که مثل خودت راهو بلد نیستم

گلنار- حالا چه کار کنیم تا الان بی بی از نگرانی مرده

خاله قورباغه -نگران نباش تا اخرشب میریم

گلنار-چه جوری ما که راهو بلدنیستیم

خاله قورباغه -یه فکری دارم اگر بگیره هردوتامون میریم

گلنار-چه فکری ؟

خاله قورباغه -امروز که خانم خرسه اومد تو صحرا دنبال تره میگشت خیلی ناراحت بود میگفت یه دختره اومده توخونه صاحب همه چی شده منم بهش گفتم نگران نباشه اشپزی یادت میدم

گلنار-تو میخوای اشپزیو یادش بدی ،این کارو نکن اگر اون اشپزیو یاد بگیره اون خرس بدجنس دیگه به ما نیاز داره مارا میکشه

خاله قورباغه -نگران نباش گلنارجون فکر همه چیو کردم

« درهمین موقع اقا خرسه بیدارمیشه »

اقا خرسه -این سروصداهاچیه ،چیشد این غذا

گلنار-الان دیگه آماده میشه «روبه خاله قورباغه» سریع برو اون نباید تو را اینجا ببینه

خاله قورباغه -باشه من میرم فقط یادت باشه واسه شام دیگه غذا خوب نپزی

خاله قورباغه از صحنه خارج میشه و پشت بوته ها قایم میشه در همین لحظه صدای ضبط شده بی «  
بی پخش میشه و گلنار به فکر فرو میره

صدای ضبط شده بی بی -تو کجایی گلنار...گلنار تو کجایی..بی تو من تنهای تنهام دل من پرازدرده  
چشم هام بی تورفته و خشکیده یاریم کن برخیزم از جام دخترم کجایی گلنارم چرا مارو ول کردی و رفتی  
....گلنار...گلنار

گلنار-مادر بزرگ میدونم اللان در نبود من چه رنجی هایی میکشی...فایده نداره تا این خرس گنده خوابه  
برم...ولی دستمالم

گلنار نگاه به دستمالش میکنه دستمال ابی و زیباش گردن اون خرس گنده و شکموه ،دوباره «  
منصرف میشه

گلنار -بهتره صبرکنم اگر امروز غذا های خوشمزه واسه این خرس گنده درست کنم قول داده که رهام  
کنه ،چرا خرسی خانم نیومده بهتره برم دنبالش

گلنار از صحنه خارج میشه و و خرسی خانم در حالی که سبدی در دست دارد وارد میشه هم زمان «  
شعری میخواند و موسیقی پخش می شود

خانم خرسه-من یه سبدم دارم /تو یه سبدم داری /من یه سبدم دارم /تویه سبدم داری / من ازتو میخوام  
/یک تره برداری /بردار ان را زود /توی سبدم بگذاره /وقتی که سبدم پرشد /با دست خود بردار /وقتی که  
میگیری تو /تره هارا از دستم /باخنده می گویم من دوست تو هستم

درهمین موقع خاله قورباغه که دارد اواز او را گوش میکنه از پشت بوته ها وارد میشود و جلو خانم «  
خرسه سبز میشه

خاله قورباغه -چه خبرته ننه میبینم خیلی شادی

خانم خرسه -چرا شاد نباشم امروزه قراره اشپزیو یادم بدی میخوام با غذا جدید اقا خرسه رو سوپرایزکنم

خاله قورباغه -ببینم چقد تره وکنگر چیدی ..باشه من اشپزیو یادت میدم به یه شرط

خانم خرسه -چه شرطی ؟هرشرطی بگی قبوله

خاله قورباغه -باشه یادت میدم الان بعد میگم چیکارکنی

خانم خرسه -باشه الان چکارکنم

خاله قورباغه - الان بهت میگم ...یه کم اب بریز

خانم خرسه - «یه کم اب از داخل کوزه داخل قابلمه میرزه» خب بعدش چکارکنم ریختم

خاله قورباغه - «باریتم موسیقی دستورمیده و خانم خرسه انجام میده هم زمان باشکمش عقب و جلو میکنه» بریز...بازم بریز..بریز بریز..یه چیکه...دو چیکه..سه چیکه..اا بسه دیگه پرروح نشو...زردچوبه رو یکم بساب...سبزی ها رو بزن به اب...زیر اجاقو اتیش کن..زعفرونو قاطیش کن...یه مشت نمک...یکم فلفل...یکم فلفل حواست کجاست...از اونا نریز...از این یکی بریز..از اون نریز از این بریز..همه اش بزن...هیزمو نزار توقابلمه...قاشقو نزار زیر اجاق...حالا بیا وسط..نریز و بریز...ده بابا همش بزن..حالا بچش ببین چطوره

خرسی خانم- «باخوشحالی» خوب شده ، خیلی خوب شده

خاله قورباغه -یواش ننه میخوای همه بفهمن هنوز خیلی چیزها مونده تا یادگیری

خرسی خانم -ممنون قورباغه مهربون

خاله قورباغه -حالا پاشو اون قابلمه غذا رو ببر واسه اون خرس گنده ببین نظرش چیه

خانم خرسه -باشه دست گلت درد نکنه فردا بازم میام میبینمت

« باصدای خروپف اقا خرسه خاله قورباغه از صحنه خارج میشه»

اقا خرسه -کیه سروصدا میکنه نمیزاره ما بخوابیم

خانم خرسه - کسی نیست منم تازه اومدم

اقا خرسه - «یه کم بو میکشه» اخ جون چه بویی؟ این غذا هنوز آماده نشد

خرسی خانم - چرا عزیزم غذا آماده هست بلندشو

« درهمین لحظه گلناروارد میشه»

گلنار-ای وای خانم خرسه شما اینجایین یک ساعته داشتم جنگلو دنبالت میگشتم

خانم خرسه - «با بداخلاقی» چکارم داشتی حالا

گلنار-ای وای کو تره وکنگر و اب مگه قرارنبود بیاری من غذا واسه اقا خرسه درست کنم

خرسی خانم -لازم نکرده دیگه خودم غذا شوهرمو پختم

اقا خرسه - «بلند میشه و به طرف وسط صحنه میاد یه کم بو میکشه» به به چون بوی غذا لذیذی  
امشب میخوام زیادبخورم تندتند بخورم وتو هم تند تند بریز ، اخ اوخ امشب میخوام با این بوی غذا  
مست بشم

:

خرسی خانم -بمیرم برات خرس گنده... نظرت چیه چه جور دست پختیه



اقا خرسه -سوختم سوختم اخ اخ دهنم سوخت این دیگه چه جور غذاییه

گلنار-این همون غذا همیشگیه

اقا خرسه -«باحالت تعجب» این غذا رو کی پخته

خرسی خانم -کار خودشه همیشه غذا هاش همینطور بدمزه هست اشپزی هم بلدنیست

!گلنار-خوشمزه ؟

اقا خرسه -اره اره خیلی خوب بود بازم میخوام بازم میخوام

خرسی خانم -اخ جون میخوای بازم برات بپزم ازمال اونم خوشمزه تره

گلنار-تو که تا الان میگفتی این غذا دست پخت منه خیلی دروع گویی

اقا خرسه -«هم زمان انگشت هاشو باغذا میخوره» این مگه دست پخت کیه کی اینقد خوشمزه

خرسی خانم -این دست پخت منه

اقا خرسه - ولی من باور همیشه تو بگی همه این ها چوب و پارچه است همه اش دکوره من یکی باور  
نمیکنم

خرسی خانم - ولی این ها دست پخته منه , تو بهش بگو این غذا رو نپختی من حاضرم سر چهارجور غذا  
باهات مسابقه بدم

اقا خرسه - افرین چهارجور غذا

خرسی خانم - بله چهارجور غذا متنوع

گلنار - تو نمیتونی بامن مسابقه بدی قبول نکن

اقا خرسه - حرف نباشه ، حرف زنه قبوله چهارقابلمه تو چهارقابلمه هم تو میشه هشت قابلمه غذا باشه  
مسابقه همین فردا ست برین همین الان دنبال وسایل موردنیازتون منم یه کم دیگه بخوابم تازود  
صبح بشه کلی غذا بخورم

گلنار از صحنه خارج میشه اقا خرسه باز همون سرجای قبلیش به خواب میره و خانم خرسه به طرف «  
دیگر صحنه میره و چندین بار خاله قورباغه رو صدا میکنه در زیر نور کم موضعی ما فقط صدای  
« قرقرکردن قورباغه را میشنویم

خرسی خانم - خاله قورباغه ، خاله قورباغه کجایی ، پس این کجا رفته صدای قرقرکردنش میاد ولی  
خودشو نیست ، خاله قورباغه

خاله قورباغه - خاله قورباغه ومرض مگه نمیبینی تا خلوت خودم دارم اواز میخونم

خرسی خانم -داری قرقرمیکنی یا اواز میخونی

خاله قورباغه -خب خرس احمق قرقرکردن میشه اواز خوندن دیگه

خرسی خانم -«خوشحال» خاله قورباغه بگو چی شد

خاله قورباغه -چیه چه مرگته میخوای بگی غذات بدمزه بود

خانم خرسه -نه نقشمون گرفت شوهرم از غذا هایی که باهم پختیم خیلی خیلی خوشش اومده حالا  
قراره با اون دختره فردا مسابقه اشپزی بدم

! خاله قورباغه -مسابقه اشپزی

خرسی خانم -اره مسابقه اشپزی ،ولی میگم نکنه ببازیم

خاله قورباغه-ببازیم چه ساده ای ننه جون میبری همسایمون همین جوری بود غذا پخت وشوهرش  
خورد شوهرتو هم میفهمه چه مروایدی هستی تو دستش اونوقت هرچه بخوای بهت میده

خانم خرسه -اولش میگم النگو وگردنبندمو از اون دختر بگیره بعدشم نمیدونم بعدش چی باید بگم

خاله قورباغه -والا ننه همسایمون که گفتم خیلی چیزها از شوهرش طلب کرد بعد از النگوها وگردنبند ... از شوهرش خواست دختره رو دک کنه بره تو ،تو هم همین کارو بکن ،به نفعته

خرسی خانم-واقعا دکش کنه بره

خاله قورباغه -اره اون بره دیگه راحت میشی مثل قبلنا تالنگ ظهر میخوابی

خانم خرسه -اره فکر خوبیه

خاله قورباغه -برو زنبلتو بردار همین امشب چون تا فردا قبل ازناهار بیش تر وقت نداریم حواست باشه هرچی میچینی تر وتازه باشه ،نترس برنده میشی

...خانم خرسه -باشه تا من برم سبدمو بردارم وبرم دنبال تره وگوجه وخیارو

خانم خرسه ازصحنه خارج میشه نور میرود همه جا تاریک میشود صدای قرقرکردن قورباغه هم زمان « باصدای قرقرکردن قورباغه دکور کمی تغییرمیکند تعدادی قابلمه برای مسابقه وسط صحنه چیده شده « نور می آید صبح شده و وقت مسابقه اشپزی

اقا خرسه -به به چه طعمی اخ واوخ ....خب تموم شده من داورقابلمم هر غذایی که گفتم اون برنده هستن مسابقه شروع شد

اقا خرسه هشت قابلمه رو سر میکشه وانگشتاشو باهاشون میخوره « خب مسابقه تموم شد دیگه »  
غذا نیست ولی بازم من میخوام هنوز شکمم پر نشده ، دوباره بپزین تا من بخوابم هروقت آماده شده  
دوباره بیدارم کنید

« اقا خرسه قصد داره بخوابه »

خرسی خانم - اهای اهای خرس گنده مسابقه رو کی برده ، نخواب دیگه اه شکمو ، بگو مسابقه را کی  
برده کی اوله

اقا خرسه - اول تو ... تو .. تو خرسی خانم تو بردی

خاله قورباغه - خب جایزه بخوای ، جایزه بخوای

خرسی خانم - جایزه ام ، کو جایزه ام من جایزه میخوام

اقا خرسه - جایزه میخوای

خرسی خانم - اره اول میخوام گردنبندمو والنگو هامو ازش پس بگیری

گلنار - باشه باشه بهت میدم روی طاقچه است برو بردار ، اون یکی رو بگو

خرسی خانم -یه چیز دیگه هم ازت میخوام

اقا خروسه -چه میخوای هرچی میخوای قبوله

خرسی خانم -میخوام این دختره بشه کلفت خونه همه کارهارو بکنه به حرف منم گوش کنه

اقا خروسه -قبوله ,وای چقد من خوردم شکمم درد گرفت یه کم بخوابم

خاله قورباغه -چه میگی ننه پس قرارمون چی شد

خانم خروسه -قرار بی قرار

خاله قورباغه -ولی تو به من قول دادی

خانم خروسه -نه من قولم یادم نیست

خاله قورباغه -وا

خرسی خانم -چرا اینجا وایستادی زودباش اول برو اب بیار بعد ظرف هارو بشو بعدش این جارو رو بردار اینجا ها را تمیزکن سریع باش

گلنار-اون همه زحمت همه اش یهویی خراب شد

خاله قورباغه -ولی این بی انصافیه ننه

خرسی خانم -ولی این دختره خیلی به من بدی کرد میخواست شوهرمو ازم بگیره

گلنار-چه بدی ,خاله قورباغه تو واسش توضیح بده

خاله قورباغه -راست میگه این ها همه اش نقشه بود تا عزیزشوهرت بشی اشپزی و خونه داری همه چیزهایی که یاد گرفتی ازگلناره اون این کارو کرده تا ازتنبلی دربیای شوهرت خاطر تو بخواد اونوقت تپ اینجوری جوابشو دادی

گلنار-ولش کن خاله ،دیگه هیچ وقت نمیتونم پیش بی بی برگردم الان ماههاست اینجام باید واسه بی بی ام کلوچه بپزم

!!! خاله قورباغه -کلوچه

گلنار-اره کلوچه ،یا عالمه کلوچه باعسل وتمشک وبرگ عطر جنگلی

خاله قورباغه -کی چی بشه

گلنار-خب معلومه بدیم به این خرس گنده شکمو بخره ،پختن کلوچه را دیگه خرسی خانم بلد نیست

خانم خرسی-منو ببخش گلنارجون میشه منو هم یاد بدین قول میدم بهت کمک کنم برگردی خونه اتون فقط همین یه بارو بهم اعتماد کن

گلنار-باشه قبول فقط به یه شرط

خرسی خانم -چه شرطی ؟

گلنار-از شوهرت بخوای دستمال منو بده اون یادگار عزیزمه واینکه یه سبد کلوچه بیره واسه بی بی ام چوت مطمئن هستم اون راضی نمیشه منو از این کلبه رها کنه فقط این که به بهانه کلوچه منو خاله قورباغه اونو تعقیب کنیم تا راه خونه را یاد بگیریم

خانم خرسه -باشه قبول

گلنار-خاله قورباغه اگر میشه برو واسم عسل پیدا کن

خاله قورباغه -ای به چشم الان سریع میام

گلنار-خانم خرسه اگر میتونی برو تا میتونی برگ عطر جنگلی بیار

خانم خرسه -باشه گلنارجون الان میارم



« خانم خرسه از صحنه خارج میشه »

خاله قورباغه - اینم عسل و تمشک دیگه چی میخوای

گلنار - کافیه دستت درد نکنه توفکر میکنی این دفعه کلوچه هام خوب میشه

خاله قورباغه - خداکنه خوب بشه ، نقشمون این دفعه بگیره خلاص شیم

« گلنار مشغول پختن کلوچه میشه »

خاله قورباغه - به به چه رنگ و بویی داره گلناز جونم

گلنار - اره خوبه عالیه

خاله قورباغه - جان جان

گلنار - آخرش تونستم بیزم باید صبر کنیم تا خرسی خانم بیاد و برگ های عطر جنگلی را بیاره

« درهمین موقع خرسی خانم با یه زنبیل پر از برگ عطر وارد میشه »

خانم خرسه -بیا اینم برگ عطر جنگلی

گلنار -حالا باید این هارو واسه تزیین کلوچه ها بزاریم

« درهمین موقع اقا خرسه از خواب بیدار میشه »

اقا خرسه -پس این صبحونه من چیشده خرسی خانم

گلنار-بفرما صبحونه ات آماده هست

اقا خرسه -«چندتا ازدونه کلوچه ها تو دستش بلند میکنه » این چیه خوردنیه ؟

گلنار-کلوچه ،اره بخور نوش جونت

اقا خرسه - «چندتاشو میخوره » شیرینه ،عسل داره

گلنار-اره هم عسل هم تمشک

اقا خرسه -هیچ وقت ازایننا نخورده بودم بازم میخوام

گلنار-جایزه ام

اقا خرسه -جایزه چیه ؟بازم میخوام بده بخورم

گلنار-پس نداریم بگو همسرت درست کنه

خرسی خانم -این یکیو من بلد نیستم

اقا خرسی - اا...ولی من بازم میخوام

گلنار-مثل بچه ها داد نکش نداریم ...اروم باش جایزه میخوام

اقاخرسه -چشم جایزه چه میخوای

گلنار-اون دستمال ابی که گردننه بهم بده

اقا خرسه -«دستمالو از گردنش درمیاره » باشه بیا واسه خودت حالا بهم بده یکی یکی نه نه دوتا دوتا بده بخورم

گلنار -دیگه تموم شد نداریم

اقا خرسه -دوباره درست کن

گلنار-خب جایزه اش

خرسی خانم -۱۱ خب قبول کن هرچی میخواد قبول کن

اقا خرسه -باشه هرچه بگی قبول میکنم فقط کلی کلوجه الان واسم درست کن

گلنار-قبوله قرارمون اینه من صدتا کلوجه درست میکنم بهت میدم

اقاخرسه -اخ جون چه خوب بهتر ازاین نمیشه

گلنار-جایزه اشم اینه یه سبد از این کلوجه ببری واسه بی بی ام که خیلی دوست داره

اقا خرسه -قبوله قبوله ،بیارصدتا کلوجه را بیاریار

گلنار-میارم همه شو پنجاه تاشو الان بهت میدم پنجاه تاشو تا وقتی که برگشتی

اقا خرسه -نه قبول نیست ضرر میکنم اگر اینجوریه سی صدتاش کن صدتا کمه

گلنار-دویست تا میخوای بخواه ،نمیخوای نخواه

ص: ۳۱ Hasani: [۱۷:۰ ۱, ۹/۹/۱۳۹۸] اقا خرسه -باشه باشه قبوله کلوچه میخوام کلوچه میخوام

گلنار-اون وقت قول میدی سبدو سالم به بی بی ام برسونی وتوراه ازشون نخوری

اقا خرسه -اره قول میدم به مرگ خرسی خانم قول میدم

خرسی خانم -وا چرا قسم منو میخوری

اقا خرسه -حالا به جان بچه نداشتم قسم میخورم

گلنار-من رو قوت حساب میکنم وگرنه برگردی دیگه از نصفه اش هم خبری نیست کلوچه هم نمیپزم

اقا خرسه -باشه قبول چکارکنم حالا ،کلوچه دوست دارم

گلنار-بیا بگیر اینم نصف کلوچه ها خودم هم بالای ایوون وایمیسم تا یه وقت بقیه کلوچه ها رانخوری

اقا خرسه -فهمیدم !یه وقت دنبالم نیای راهو یادگیری

گلنار-نه پیام من اینجا کنار خرسی خانم میمونم تا برگردی

اقا خرسه -باشه کلوچه ها رابده تا من ببرم واسه بی بی ات

« گلنار یه سبد پراز کلوچه به اقا خرسه میده و اقا خرسه چندتاشو همون لحضه میخوره»

خرسی خانم - فقط سهم خودتو بخور بعدشم تا هوا تاریک نشده برگردی تا زود بقیه کلوچه هاتو ازش بگیری ، میدونی که کجا باید بری

اقا خرسه -اره راهو بلام

خرسی خانم -مبادا هوس کنی ازشون بخوری گلنار اون بالا نشسته مواظبته اگر خوردی دیگه کلوچه بهت نمیده

« اقا خرسه -نه خانم من فقط اسمم بد درفته والا شکمو نیستم » دوباره از کلوچه ها میخوره

خانم خرسی -اره معلومه ، تو را خدا فقط سالم برسونشو

اقا خرسه -باشه خیلی خب حرف نزن دیگه

خرسی خانم -افرین خرسی خودم برگردی منم بهت جایزه میدم تو راهم اواز بخون تا یه وقت وسوسه نشی ازشون بخوری

« اقا خرسه کلوچه هارا بر میداره و از صحنه خارج میشه »

اقا خرسه - باشه دیگه من رفتم

گلنار - خرسی خانم تا ماهم کمک بریم خیلی دیر شناختمت خیلی دیر کاش میشد بیشتر اینجا میموندم و پختن کلوچه رابتهت یادم میدادم اما خب نشد

خرسی خانم - اشکال نداره برین دیگه اون خرس خیلی سریع میره یه وقت گمش میکنید

گلنار - باشه خدا حافظ حیف که نشد خوب باهات خدا حافظی کنم خدا حافظ

خاله قورباغه - خدا حافظ خرس مهربون

خرسی خانم - خدا حافظ گلنار جون خدا حافظ خاله قورباغه کاشکی میتونستم زودتر از این راهتون میکردم اما نشد تو خیلی چیزها بهم یاد دادی خاطرات همیشه تو این کلبه ماندگاره

« گلنار و خاله قورباغه هم از صحنه خارج میشن نور میرود صدای اقا خرسه میاد »

صدای خرسه - اگر بارگران بودیم و رفتیم اگر نامهربان بودیم و رفتیم

بعد از چند لحظه نور میاد خانم خرسه دیگه در صحنه نیست و فقط اقا خروسه و خانم مرغه را «  
«میبینم که در جلوی خونه بی بی مشغول دانه برچیدن از زمین هستن

صدای اقا خرسه - اخی اخی همانا برو کار کن مگو چبست کار ، اهای بی بی گلنار کجایی ؟

اقا خروسه - قولی قولی شنیدی خانم

خانم مرغه - قد قود قد چپو اقا خروسه

اقا خروسه - خب صدای غریبه رو ، یکی اومده تو خونه

اقا خرسه - خب اینم ته کوچه ، بله درسته خودشه باید همین جا باشه بالاخره خونه بی بی رو پیدا  
کردم اهای بی بی گلنار اینجایی من اومدم برات کلوچه اوردم حالا ارد و عسلو بده من برگردم

اقا خروسه - وای خانم یه خرسه یه خرس گنده توه ، تورا خدا قش نکن خانوم وای خرس اومده وای  
خرس اومده کمک

اقا خرسه - اقا خروسه تویی ، ببند صداتو الان مردم میریزن اینجا وایسا وایسا کارتون دارم / من یه  
خرس بی ازارم / بیاین از سوراختون بیرون / شما نمیخواین مهمون

« اقا خروسه - «یواش سرشو از تو قاب پنجره میاره بیرون و خرسو نگاه میکنه



اقاخروسه -وای تو که گوشت درازه /دهنت چرا اینقد بازه /میخوای منو بخوری /یا ماها را باخودت  
ببری

اقا خرسه -داد نزن من کلوجه واسه بی بی اوردم

خانم مرغه -دروغ میگی میخوای گولمو بزنی ماربخوری ،اهای کمک اهای کمک

اقا خرسه -ای وای اینا کیان بهتره فرار کنم

دوستان گلنار با بیل وکلنگ وچوب به دست نفس زنان وارد میشن یکی اش در دستش چوب است «  
...بیکیش دردستش گل رز ودمپایی یکی دردسته اش افتابه و

خانم مرغه -خداراشکر به موقع رسیدین او خرس گنده بدجنس میخواست مارو بخوره

اقا خروسه -قولی قولی اونجا را نگاه گلناربا خاله قورباغه دارن میان

دوستان گلنار-هورا....شادی می کنند وهم زمان شعری با اهنگ میخونن

گلنار مثل گلی بود که گفتن پرپر گشته /شکر خدا دوباره به ده ما برگشته

اقا خروسه -قولی قولی شادیم زرنج وغم ازادیم /روزها دیگه سفیدن برف پرازامیدن

خانم مرغه -قدقد قدا قدا شادی کنید بچه ها /عمر غصه سراومد /روزهای بهتراومد

دوستان گلنار-گلنار مثل گلی بودکه گفتن پر برگشته /شکر خدا دوباره به ده ما برگشته

بی بی هم وارد میشه وبا ان ها شادی میکنه -درخت خشکیده بودیم ،پیر وپوسیده بودیم /اما حالا بهارم چون که اومد گلنارم /اینه بندون کنید ده رو چراغون کنید /نور چشمونم اونم /چراغ خونه ام اومد

. بی بی گلناررو به اغوش میکشه اهنگ قطع میشه ونور میره»

هرگونه کپی برداری از متن ،اجرا بدون مجوز کتبی نویسنده پیگیرد قانونی دارد ...

پایان